

جای ارزیابی، تحلیل و نقادی روایات در تفاسیر مآثور خالی است

ارزیابی، تحلیل و نقادی روایات و بازشناسی روایات قوی از ضعیف در تفاسیر مآثور ما کمتر به چشم می‌خورد و جالب آن‌که بیشتر در غیر مجموعه تفاسیر مآثور شاهد ارائه مبانی بهره‌گیری از روایات تفسیری و یا بعضاً توضیح ارتباط آیه با روایت و یا نقد روایات هستیم.

ارزیابی، تحلیل و نقادی روایات و بازشناسی روایات قوی از ضعیف در تفاسیر مآثور ما کمتر به چشم می‌خورد و جالب آن‌که بیشتر در غیر مجموعه تفاسیر مآثور شاهد ارائه مبانی بهره‌گیری از روایات تفسیری و یا بعضاً توضیح ارتباط آیه با روایت و یا نقد روایات هستیم.

شادی نفیسی، عضو هیئت علمی دانشکده علوم حدیث و نویسنده کتاب [#171 علامه طباطبایی و حدیث](#); (پژوهش دینی برگزیده سال 81)، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، به بیان نکاتی درباره آسیب‌شناسی تفاسیر مآثور پرداخت و ضرورت تبیین مبانی در موضوعات مختلف روایی (مانند سبب نزول، خواص و فضائل سور و آیات، بحث لغت در روایات، داستان‌ها و ...) که با آیات پیوند دارند و در روایات تفسیری ذکر شده، را از جمله نیازهای تفاسیر مآثور برشمرد.

وی چگونگی ارتباط روایت و سخن معصوم (ع) با آیه را از دیگر احتیاجات تفاسیر مآثور محسوب کرد و گفت: در تفاسیر مآثور، در بسیاری از مواقع وجه ارتباط روایت با آیه، برای مخاطب پنهان و پوشیده است و برای آن‌که بتوانیم از بیان معصومین (ع) به عنوان مفسران برگزیده قرآن به درستی استفاده کنیم، لازم است که مفسر تفسیر مآثور تلاش کند تا چگونگی ارتباط روایت و سخن معصوم (ع) با آیه را برای ما تبیین کند.

این محقق و پژوهشگر تبیین ارتباط روایات مختلف با همدیگر و نیز با آیه و ارائه جمع‌بندی مشخص در این حوزه را از دیگر احتیاجات تفاسیر مآثور خواند و افزود: نکته دیگری که تفاسیر مآثور می‌بینیم، فقدان تحلیل و نقادی در این روایات است؛ ما در میان روایات خودمان روایات سست و ضعیف (چه به لحاظ سندی و چه به لحاظ متنی) هم داریم که احتیاج به تحلیل، تبیین و ارائه دارند.

وی در توضیح این مطلب گفت: معمولاً مفسران تفسیر مآثور به این نکته توجه نمی‌کنند و اگر احیاناً نظر آنان بر این باشد که روایتی درست نیست، معمولاً آن را ذکر نمی‌کنند و به طور کلی از ابتدا حذف می‌کنند؛ به تعبیر دیگر ما ارزیابی و نقادی روایات (چه از حیث سندی و چه از حیث متنی) را در تفاسیر مآثور نمی‌بینیم؛ حال آن‌که انتظار آن است که در تفاسیر مآثور نیز به این موارد پرداخته شود.

عضو هیئت علمی دانشکده علوم حدیث تصریح کرد: جالب این است که کسانی در محورهای مذکور – که مربوط به تفسیر مآثور است – کارها و اقدامات شایسته‌ای انجام داده‌اند که مفسر مآثور نیستند؛ یعنی ما در غیر مجموعه تفاسیر مآثور شاهد ارائه مبانی بهره‌گیری از روایات تفسیری و یا بعضاً توضیح ارتباط آیه با روایت و یا نقد روایات هستیم.

اگر احیاناً نظر مفسران تفسیر مآثور بر این باشد که روایتی درست نیست، معمولاً آن را ذکر نمی‌کنند و به طور کلی از ابتدا حذف می‌کنند؛ به تعبیر دیگر ما ارزیابی و نقادی روایات (چه از حیث سندی و چه از حیث متنی) را در تفاسیر مآثور نمی‌بینیم.

وی ادامه داد: برای مثال در تفسیر المیزان که اصلاً تفسیر مآثور محسوب نمی‌شود، شاهد این هستیم که تا حد زیادی به بخش‌هایی از این موارد اهتمام شده است. با این حال حتی تفاسیر مآثوری داریم که در همین دوره معاصر توسط عالمان گرانقدری نگاشته شده‌اند، اما کار آنها آن قدر که انتظار می‌رود، چندان فراتر از کار پیشینیان نیست.

نویسنده کتاب [#171 علامه طباطبایی و حدیث](#); عنوان کرد: ما واقعاً در حوزه تفسیر مآثور احتیاج داریم که کارهای ارزشمندتر، عمیق‌تر و اصولی‌تری را سامان‌دهی کنیم تا بتوانیم از میراث روایی خود استفاده بهتر و شایسته‌تری داشته باشیم.

این محقق و پژوهشگر در پاسخ به این سؤال که چه مشکلاتی در روایات تفسیری ما به چشم می‌خورند؟ اظهار کرد: البته صحبت بنده ناظر به تفاسیر مآثور بود و نه تفسیر مآثور فی حد نفسه؛ اما یکی از مشکلات روایات تفسیری ما این است که مبتلا به جعل و وضع هستند و روایات اسرائیلی در آنها وجود دارد. مفسر تفسیر مآثور باید با آسیب‌شناسی تفاسیر مآثور، به نقد روایات تفسیری بپردازد و و در این نقادی، خود به خود روایات ضعیف و ناستوار محک نقد خورده و عیب آنان مشخص خواهد شد.

وی ادامه داد: همچنین در تفسیر مآثور علاوه بر روایات جعلی و ضعیف، روایاتی داریم که گروه‌های منحرفی آنها را وارد کرده‌اند؛ از جمله در خود شیعه گروه‌هایی مانند غلات بخشی از روایاتی را شکل داده‌اند که در منابع رجالی ما از آن به تفسیر باطنی یاد شده و

این تفاسیر در زمان خود اهل بیت(ع) نیز مورد انتقاد بوده‌اند و تفکیک و تبیین آنها از روایات و تفسیرهای استوار و درست ائمه(ع) یکی از بایسته‌های کار در حوزه تفسیر ماثور است.